

# از اشارت‌های دریا

بوطیقای روایت در مثنوی

حمیدرضا توکلی



اشارت‌فروارید

مردن عشاق خود یک نوع نیست  
برده ویران خراج و عشر نیست  
عاشقان را هست بی سرمایه سود  
غیر جسم و غیر جان عاشقان  
که به دست خویش خوبانشان کشند  
چون عدم یک رنگ و نفس واحدند

عاشقان را هر زمانی مردنی است  
عاشقان را هر نفس سوزیدنی است  
عاشقان را کار نبود با وجود  
بی غرض نبود به گردش در جهان  
عاشقان جام فرح آن گه کشند  
عاشقان اندر عدم خیمه زدند

**با یاد**

**همزاد عاشقان جهان**

**قیصر امین پور**

بار دیگر ما به قصه آمدیم  
ما از آن قصه برون خود کی شدیم؟

## فهرست مطالب

۱۳	درآمد.....
۲۵	فصل اول - مثنوی و چشم‌انداز شامل.....
۲۶	ساختار نوآیین.....
۲۷	طرح کلی اثر.....
۲۸	جرجانی و نظریه نظم.....
۳۲	نگاه شامل و بلاغت و زیبایی‌شناسی مغرب‌زمین.....
۳۲	نظریه صورت‌گرا و طرح کلی اثر.....
۳۵	تحلیل ساختاری.....
۳۶	روایت‌شناسی.....
۳۹	هرمنوتیک و فهم متن به مثابه کل.....
۴۱	روایت‌شناسی و مثنوی.....
۴۳	درباره بوطیقا.....
۴۹	بوطیقای قصه و مثنوی.....
۵۹	فصل دوم - وضع غریب قصه‌ها در مثنوی.....
۶۵	فصل سوم - زاویه روایت در مثنوی.....
۶۹	روایت و مخاطب.....
۷۰	اصطلاحی نوساخته.....
۷۴	اسالیب خطاب و مخاطب روایت.....
۷۷	اسالیب خطاب، ادب فارسی و شاهنامه.....

۱۵۹	پیر نورانی.....
۱۶۰	پرتو مهر و آیین کهن.....
۱۶۲	خضر و صوفیان.....
۱۶۷	اخلاق یا ایمان؟.....
۱۶۹	نسبت کردار آدمی با خواست کردگار و دورنمای کلامی آن.....
۱۷۱	فیلسوف دانمارکی و سرگذشت پدر ایمان.....
۱۷۴	دقوقی، موسی، کیرکگور و تعلیق غایت‌شناختی امر اخلاقی.....
۱۷۶	ایمان از چشم‌انداز اخلاق.....
۱۷۷	بی‌سرانجامی گفت‌وگو.....
۱۷۸	گفت‌وگوی آواها پیش از شروع قصه.....
۱۸۰	گفت‌وگوی قصه‌ای با قصه‌ای دیگر.....
۱۸۱	روایت چندآوا و تناقضات الاهیاتی.....
۱۸۶	روایت چندآوا و ساختار بداهه‌پرداخته.....
۱۸۹	روایت از زبان خداوند.....
۱۹۲	قصه موسی و شبان.....
۱۹۴	در جایگاه سخن‌گوی نظریه کلامی اشعری.....
۱۹۹	از زبان سرور مهجوران.....
۲۲۵	<b>فصل پنجم - تداعی و گریز در روایت مولانا.....</b>
۲۲۷	تداعی و نظریه شناخت.....
۲۳۰	تداعی در بلاغت.....
۲۳۲	تداعی و روایت‌شناسی.....
۲۳۲	تداعی و قصه در مثنوی و غزل‌ها.....
۲۳۷	تداعی و پیرنگ.....
۲۴۶	جایگاه قصه در مثنوی و قرآن.....
۲۴۹	بی‌پرواترین گریزها.....
۲۵۵	هزل و تعلیم سنایی.....
۲۵۶	تمایز هزل مولانا.....
۲۵۹	تداعی و بداهه‌سرایی.....
۲۶۶	تداعی و سنت مجلس‌گویان.....
۲۷۱	مجلس‌گویی صوفیان.....
۲۷۵	مجالس مولانا.....

۲۷۷	..... مجالس مثنوی
۲۸۱	..... مثنوی روایتی گفتاری
۲۸۳	..... نشان‌هایی از معارف پدر
۲۸۷	..... سایه سخن شمس
۲۹۰	..... از روایت سیال تا فراواقع‌گرا
۲۹۸	..... عنوان‌های متشور مثنوی
۳۱۳	..... قانون‌مندی تداعی‌ها و گریزها
۳۲۷	..... مثنوی و قرآن در چشم‌انداز ساخت کلی
۳۴۲	..... سرانجام، مثنوی روایتی منسجم یا سامان‌گریز؟
۳۷۱	..... <b>فصل ششم - زبان و روایت در مثنوی</b>
۳۷۲	..... زبان و تداعی معانی
۳۷۷	..... از پارسی تا تازی
۳۷۸	..... چندگونگی زبان
۳۸۶	..... تصرفات خلاق در زبان
۳۹۱	..... روایت پارسی
۳۹۳	..... از شعر تا روایت
۳۹۷	..... مثنوی: شعر روایی
۴۰۰	..... مثنوی و شاعرانگی ساخت داستان
۴۰۷	..... از استعاره تا تمثیل
۴۰۹	..... زبان عرفان و زبان غنایی
۴۱۶	..... مثنوی و ره قلندر
۴۲۰	..... روایت از زبان راوی
۴۲۱	..... زبان، پیوند یا گسست؟
۴۲۲	..... روایت و فاصله‌های سه گانه
۴۲۵	..... راوی گریزان از روایت
۴۴۱	..... مخاطب و نامحرمی‌های زبان
۴۴۸	..... زبان بی‌زبان
۴۵۱	..... وحی: کلام بی‌زبان
۴۵۶	..... موسیقی: آوایی آن سوی زبان
۴۵۸	..... زبان دیگر و زبان دین

۴۸۱	..... فصل هفتم - مثنوی و اسلوب قصه در قصه
۴۸۱	..... سستی دیرپا
۴۸۳	..... تأملات تودوروف
۴۸۶	..... قصه در قصه و ادب ایرانی
۴۸۹	..... مولانا و درآمیختن قصه‌ها
۴۹۱	..... قصه در قصه و تداعی
۴۹۵	..... پیوند قصه درونه‌ای با قصه جامع
۵۰۰	..... قصه در قصه و اسلوب عمومی روایت
۵۰۶	..... قصه در قصه و روایت قرآنی
۵۰۹	..... قصه در قصه و اشارات داستانی
۵۱۹	..... فصل هشتم - موسیقی، زمان و بوطیقای روایت
۵۲۰	..... موسیقی و شکل‌گیری روایت
۵۲۵	..... راز نغمه فاعلاتن
۵۲۷	..... بشنو سماع آسمان
۵۳۸	..... روایت از زاویه زمان
۵۴۴	..... در افق وقت عرفانی
۵۵۱	..... آفرینش و یادهای ازلی
۵۵۳	..... رستاخیز و فرجام زمان
۵۵۵	..... خواب: بستر الهام
۵۵۸	..... از چشم‌انداز کشف و شهود
۵۶۴	..... شخصیت‌پردازی در افق فرازمان
۵۷۱	..... بوطیقای روایت در چشم‌انداز شامل
۵۷۲	..... از قصه تا مخاطب
۵۸۰	..... روایت و مقامات راوی
۶۰۳	..... فصل نهم - آغاز و انجام روایت
۶۰۳	..... آغازی ناگهان
۶۰۶	..... خطاب آغازین
۶۱۱	..... تداعی‌مداری روایت
۶۱۷	..... حدیث نی
۶۱۹	..... بانگ نای

۶۲۴	ساز قصه‌گو
۶۲۹	تمثیل ماهی و دریا
۶۳۴	سپاس کردن مثنوی
۶۳۶	نی‌نامه: آغازی تا انجام
۶۳۷	پایان بی‌پایان روایت
۶۳۹	روشنای خاموشی و سخن بی‌سخنی
۶۴۳	واپسین تمثیل
۶۵۳	منابع و مآخذ
۶۸۳	نمایه
۷۰۱	نمایه قصه‌های مثنوی



چه گوئیم؟ چه دانیم؟ که این داستان  
فزون است از حدّ و امکان ما

## درآمد

در این کتاب می‌کوشیم با نگرشی بوطیقای به مثنوی در مقام یک کلان‌روایت روی آوریم. شیوه بررسی بوطیقای را می‌توان در چند نکته اصلی خلاصه کرد: نخست تأمل در اثر با نگاهی فراگیر و کل‌نگر و کوشش برای کشف ساختار اثر و درک پیوند اندام‌وار اجزای آن. در مورد مثنوی این نکته از دو جهت اهمیت خاصی دارد: هم از آن رو که ما را از فهم مثنوی به عنوان روایتی پریشان و پراکنده پرهیز می‌دهد و به جست‌وجوی پیوند پاره‌ها برمی‌انگیزد؛ پاره‌هایی که در نهان و نهایت پیکره‌ای سترگ و سازوار را برمی‌آورند و هم از آن لحاظ که می‌آموزیم مفهوم روایت را تنها به قصه‌ها و حکایت‌ها و تمثیل‌های مثنوی محدود نسازیم بل همه گریزها و فضاهای بیرون قصه‌ها را در نظر آوریم. در این نوشتار حتی غزل‌های شمس به عنوان راه‌گشای پژوهش در مثنوی پیش چشم بوده است.

دومین نکته همراه کردن بررسی معنی‌شناختی با پژوهش زیبایی‌شناختی است. در حقیقت در گوهر تلقی بوطیقای، پیوستگی ژرف ذوق و فهم یا ادراک و التذاذ نهفته است؛ این معنی نیز در مورد مثنوی اهمیتی ویژه دارد و ما را یاری می‌دهد تا از کلیشه آشنا و گمراه‌ساز «مثنوی اثری نازل در صورت، اما بلند در معنی» رها شویم و هنر روایت‌گری مولانا را تافته‌ای جداافتاده از تجربه و اندیشه او به شمار نیاوریم.

دیگر آن که در این نگاه، صورت جایگاهی مخصوص دارد و چنان که گفتیم هرگز نباید آن را مفهومی جدا و مستقل از محتوا دانست؛ نقطه عزیمت مطالعه بوطیقای اما صورت است. در این شیوه نخست در جست‌وجوی ساخت صوری اثر برمی‌آئیم؛ از آن پس فهم و دریافت خویش را بر این پایه مطمئن استوار می‌سازیم. در نقد ادبی نوین نگرش

بوطیقایی غالباً در برابر شیوه‌های تأویل‌گرا معرفی می‌شود. این شیوه، مسائل فرامتنی چون زمینه اجتماعی، زندگی نویسنده، حتی اظهارات صریح او دربارهٔ متن و به خصوص دریافت‌های مخاطبان را دست‌کم در گام نخستین به یک‌سو می‌نهد و در درجهٔ اول به خود متن توجه می‌کند. باید یادآوری کرد که اشاره‌های محدود به حاشیه‌های روایت مولانا در این کتاب عملاً در متن مباحث جای ندارند و به عنوان زمینه‌های همراه و تکمیلی طرح شده‌اند. به هر روی همواره بر آن بوده‌ایم که از صورت به سوی معنا حرکت کنیم و نه برعکس. در این مسیر قصد اصلی نمایاندن پیوند صورت و معنا بوده است نه تأویل متن؛ هرچند مطالعهٔ بوطیقایی می‌تواند مخاطب را در افق تأویل‌های دقیق‌تر و عمیق‌تر قرار دهد.

نکتهٔ دیگر آن‌که همه جا بر «ویژگی» روایت مولانا انگشت گذاشته‌ایم، به خصوص از چشم‌اندازی زیبایی‌شناختی. همواره این پرسش را پیش چشم داشته‌ایم که هنجارهای زیباشناختی و منطق روایی ویژهٔ مثنوی چگونه است؟ پیوسته از سنجش شعر و روایت و زبان مولانا با آثار دیگران پرهیز داده‌ایم؛ آثاری که چه بسا معیار مطلق زیبایی و بهنجاری تصور شده باشند.

نکتهٔ واپسین آن‌که باید پذیرفت تلقی بوطیقایی عمدتاً بر نقل تکیه دارد و نه نقد. این شیوه شاید به واسطهٔ آرمان خود که کشف منطق ویژهٔ زیبایی‌شناختی و معنی‌شناختی یک اثر است بیش‌تر ماهیتی هم‌دلانه دارد. می‌کوشد تا با اثر در آمیزد نه آن‌که از افقی فراتر در آن بنگرد. اساساً نقد قبل از نقل یا نقل به همراه نقد شیوه‌ای سنجیده و بخردانه نیست؛ هر چند که در جامعهٔ ما داوری و انکشی و مباحث جنجالی و جدلی نمودی چشمگیر دارد و پیوسته سایه‌ای از پیش‌فرض‌ها و جبهه‌گیری‌ها بر اندیشهٔ ما سنگینی می‌کند. اتفاقاً شیوهٔ بوطیقایی می‌تواند راهی روشن برای رهایی از داوری‌های شتاب‌زده و تک‌جانبه بگشاید. البته به هیچ‌روی طرح ملاحظات انتقادی خرد و کلان دربارهٔ مولانا و هر کس دیگری را ورود به حریمی ممنوع نمی‌دانیم. یقین داریم با به جا آوردن شرایط عمومی نقد، حتی نفی و انکار مطلقاً ناروای مولانا در نهان و نهایت، فرجامی جز نمایان‌تر شدن حقیقت نخواهد داشت؛ اما در این‌جا، سخن بر سر دو نگاه و شیوه‌ای است که به دو مقام گوناگون تعلق دارند و از در آمیختن آن‌ها نتیجهٔ درخوری به دست نخواهد آمد.

مخصوصاً در زمینهٔ اندیشه‌هایی که در پس پشت خویش دورنمایی از ذهنیت اشعری دارند مانند آن‌چه دربارهٔ تعلیق غایت‌شناختی امر اخلاقی در فصل چهارم آمده، پیش از هر چیز به نمایاندن ژرفای مسأله توجه داشته‌ایم؛ نه سنجش این نگاه از منظر خرد نوین که آن مسأله و سخنی دیگر است و پرداختن بدان بایستهٔ مجال دیگری.